نکاتی از مقاله «اورده» کتاب تشريح بدن انسان

امیرضا دهقانی‌نژاد، حامد عابدی‌ناش، پرویز فریدی، محمدرضا شمس‌اردکانی، عبدالعلی محقق‌زاده

چکیده

کتاب تشريح منصوری کامیابی ترین درس نامه‌ای کالبدشناسی تاریخ پزشکی ایران به زبان پارسی، تأثیر محسوسی بر کتاب‌های کالبدشناسی
پس از حب‌های چاگپنگ است. در این تحقیق ضمن بررسی مقاله‌های اورده، این کتاب با کیفیت بسیاری از آن با دانش امروزی برای شده است. 21 تحقیقی از جمله موارد زیر مقایسه و تقد شده است: استفادة از عبارت "آیید" برای سیاه‌گویی، تشکیل سیاه‌گویی، اشاره به وردی شیرینی، انتقال مواد از دونوز، رگ به سمت یافته از طریق نشانگان، اشاره به وردی‌های و عملکرد آن، عملکرد و وضع قرارگیری سیاه‌گویی اجوف، تغییرات شعله‌گاهی سیاه‌گویی، تغییرات سیاه‌گویی عناصر سیاه‌گویی. متنی به خون و گلو کد، سیاه‌گویی فرگی
تجلی، سیاه‌گویی پریک، پیک، فرمولهای سیاه‌گویی اجوف، شاهدی سیاه‌گویی اجوف، شاهدی سیاه‌گویی. اشاره به عضوی و داجین، اشاره به عضوی، شبکه سیاه‌گویی دست و شاهدی، شیب‌ها و پر شود.

واژگان کلیدی: آنتونومی، تشريح بدن انسان، اورده، منصوری شیرازی

1. مقدمه

کتاب "تشريح بدن انسان" یا "تشريح منصوری" یکی از مدرن مقدماتی احمد شیرازی کامیابی ترین درس نامه‌ای کالبدشناسی تاریخ پزشکی ایران به زبان پارسی است (1). این کتاب در حالی است که به دلیل عدم اشاره در زبان فارسی کتاب را عرض یا "فارسی" ذکر نموده‌اند. بدون شک این کتاب عمیقی بر کتاب‌های تشريح بعد از حب‌های گذشته است. در این زمینه ترجمه‌های کامیاب کتاب، افتخار از متین و تصاویر (2) (شکل 1) و به خصوص استفاده از تصاویر آن برای تکمیل بخش تشريح کتاب مختلف قابل ذکر است. در این مقاله مسئوی

شده است تا ضمن بررسی مقاله اورده کتاب، نکاتی از

mohaghegh@sums.ac.ir

1377 / 1389

سال اول، شماره دوم، تابستان
نتیجه: بیمار جالب توجهی وجود دارد که سیاهرگ صاف‌رخ خارج از بدن و شاخ‌های دیگر، درون ساق پا رضم شده‌اند. این گونه ترضیم نشان دهندهٔ آن است که سیاهرگ صاف‌رخ سطحی تر از سیاهرگ‌های دیگر قرار گرفته است. نتیجه‌های اهمیت‌داری نیز آن است که در این شکل سیاهرگ‌های اصلی بدون زاویه‌ای با "شمع" ترسیم شده است در حالی که سایر سیاهرگ‌ها دارای شعبات ریز می‌باشند (شکل‌های ۲ و ۳).

شکل ۱: شکل تشريح اورده از دست نوشته‌ای به زبان فارسی مناثر از کتاب تشریح بدن انسان تالارمنش می‌روند (مربوط به دوران تحمیل شاه فجر) (۲).

شکل ۲: نمونه‌ای از شکل مربوط به سیاهرگ‌ها همراه با دستگاه گوارش از یک نسخهٔ خطی کتاب تشریح بدن انسان (۳).

در زیر به نکاتی از مقاله سیاهرگ‌ها برگرفته از کتاب تشریح منصوری (۱) و شرح کالیکشتیانی امروزی آن اشاره می‌شود:

نتیجه ۱: در صفحه‌ای ۱۱۹ آمده است: "ویره عبارت است از عرق ساقن که از طرف جنگر رسته است و قوت نگذیه و تنمه از آن حاصل می‌شود...".

نتیجه ۲: بیمار به اهمیتی آن است که در اینجا لفظ "عرق ساقن" برای سیاهرگ در مقابل "عرق مناخر" برای سرخرگ استفاده شده است که نشان می‌دهد، سیاهرگ برخلاف سرخرگ قافذ، افقض و نیمض می‌باشد. از سوی دیگر باستی متفکر شد که در مطلب فوق منشاء سیاهرگ‌ها کبد دانسته‌شده است. اما همان‌طور که می‌دانیم امروزه به توجه به جهت جراحان خون، منشاء سیاهرگ‌ها را مواد به‌سرهایه، و سیاهرگ‌ها را حاصل به هم پیوستن موی‌گرده، می‌دانند که موارد حاصل از متابولیسم بافت‌ها را به سمت قلب می‌برند (۴).

نتیجه ۳: در همان صفحه آمده است: "و مجموع اورده‌ی کب‌طبیقه بود آن ورفتربانی که دو طبقه است و به ره مربوط به همان‌طور که در بحث سرخرگ‌ها ذکر شد (۰). علی رغم تصویر نوپسته، نماهی عروق بدن از سه لاشی ایتیما، مدیا و..."
آدانتیپ شکلی شده‌اند و اختلافی در تعداد لایه‌ها وجود ندارد (۴). اما به‌عنوان مدت عاملی که این تحسن اشتباه را تا اندازه این به‌کارگرفته شده یا باعث نظریه‌های دیگر باشد که نشان می‌دهد که مدت‌بندی این بی‌سیاره گاهی به‌صورت بازی بودن از مدت‌بندی سیاه‌گرایی سیاه‌گرایی (Hepatic vein) از طریق سرخرگ هپاتیک (Portal vein) وارد کبد می‌شود (۴).

نکته ۳: در مطلب فوق آمده است: «ورید سریانی»
در اینجا اشاره به ورید سریانی شده است که به ری می‌رود و آن را ضخیم‌تر از سایر سیاه‌گرایی‌های دانه‌ای است. در این جمله چند نکته نهفته است: اول این که تمام ورید‌های دانه‌ای متعلق به دانه‌انداز گفته می‌شود که مسئول انتقال اکسیژن به بدن هستند و درون آن ورید سریانی که تنظیم سیاه‌گرایی‌های ریوی (Pulmonary veins) می‌باشد واقع شده‌اند. دوم آنکه همان‌طور که دانه‌انداز‌های ریوی، خون اکسیژن‌دار را از درون ری واقد سیگاره‌های خونی، خون‌ریزی‌های دیگر در این جمله به دانه‌انداز ری دانسته شده. نهایت نکته این است که در همان سیاه‌گرایی‌های ری و سیاه‌گرایی طولانی‌سیستم (Splenic vein) و سیاه‌گرایی مرزی‌سیستم (Superior mesenteric vein) موثر در انتقال مواد از درون ریکر به سمت بافت «ترشح» نامی‌دهد است که به‌صورت انتقال مواد از بین امکان‌ها انجام می‌دهد و سیستم پوست تخیلی می‌کند که نهایتاً به کبد می‌رود (۳).

نکته ۴: در همان صفحه آمده است: «چون دم کبد، فلزه‌بود و دو طبقه مخلوط شد تا آن‌چه از یا متراکم شود لطیف و صافی‌بود به عنوان عامل اضافه سیاه‌گرایی دانه‌ای‌است و سیاه‌گرایی مزایترینک (Superior mesenteric vein) موثر در انتقال مواد از درون ریکر به سمت بافت «ترشح» نامی‌دهد است که به‌صورت انتقال مواد از بین امکان‌ها انجام می‌دهد و سیستم پوست تخیلی می‌کند که نهایتاً به کبد می‌رود (۳).

نکته ۵: در همان صفحه آمده است: «۱۱۹ و ۱۲۰ آمده است: بی‌کی از مقرع کبد رسته و آن را بی‌خوانند از آن جهت که آن‌چه به جگر
آن زمان را به اشتباه اندکی آن، این نام برای آن سیاه‌گر انتخاب شده است. در مثلاً فوق به عمارکر و محل قرار گرفتن سیاه‌گر اجوف (Inferior vena cava) شده است. اولین محل جوگر این سیاه‌گر را سطح محدب (Diaphragmatic surface) می‌دانند و همانطور که می‌دانیم سیاه‌گر اجوف تحتانی از بیشین پیوستن سیاه‌گر‌های ایلیاک مشترک طرفین در جلوی مهونه‌های کمی (Lumbar) تشکیل می‌شود و سپس به سمت بالا حرکت می‌کند و در طی مسیر سیاه‌گر‌های دیگری را برای خود در نظر می‌گیرد و در انتهای مسیر خود از پشت کبد عبور می‌کند و با درفت خون از سیاه‌گر‌های کبدی (Hepatic veins) به دهیز راست قلب وارد می‌شود (1). اما نکته‌ای که وجود دارد دو ایندکس بودن بیش از اندکی سیاه‌گر‌های هایاتک و عبور سیاه‌گر اجوف تحتانی از پشت کبد به‌نظر می‌رسد که سیاه‌گر اجوف تحتانی از کبد و از سطح دیافراگمی آن خارج شده است و این مسئله این است که دانشمندان

![Diagram](https://example.com/diagram.png)

شکل 4. در اینجا سطوح مختلف کبد و محل قرار گرفتن سیاه‌گر اجوف تحتانی نشان به آن و محل آناتومیک کبد در بدن نشان داده شده است. در این تصاویر به‌وسیله اختلافات کبد و سیاه‌گر اجوف تحتانی مشخص شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سیاه‌گر اجوف تحتانی در حقیقت از پشت کبد از پنجره غدهی می‌گذرد و این ارتباط تگانگی‌های طبیعی موجب اشتهار دانشمندان آن زمان شده است (تعدادی از تصاویر مستقیم از جسد نهایی شده است).
به‌جهت وظیفه سیاهگر احیای تحلیلی رسانه‌ای خون اندام‌های تحتانی و احیای درون شکم و خونی است که از کبد به قلب می‌آید که این خون از آنجا پس از استپوزیون دادان در ریخا به اعضا و جراحی بر می‌گردد (شکل ۴).

نکته ۸ در صفحه ۱۲۰ و ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ ادامه است: او آن طرف که تردید مفرط کبد است و سیاهگر می‌شود منجمد به هشتم قسم: دو قسم از او کوچک‌ترین انواع است: یکی نسلی می‌شود به معنی فراوانی ناچیز که جذب کند یا به قبیله می‌شود یا شعبه‌ای.

چند که پراکنده می‌شود در ترب و می‌شود و دیگر پراکنده می‌شود در شیب معدن، جهت فراگیرنده غذا و اقسام سنته‌ای باید: یکی از آن می‌آید به طول می‌شود غذا را غذا و این پارانی که می‌شود به زعم زیستان از الکه‌ها است. و در این سخن، نظر است از آن که که نورد اطلاع، دو طرف با دم و دیگر اخلاق و توسعه اخلاق در کد بود، و همچنین اگر باطن معدن، تغذیه به عصاره یا کد منتشر گردید از حائل طبیعی چرا که ورود غذا به اینجا بود از واسطه می‌شود.

شدن بود، جهت هضم غذا و خدمت سایر اعضا باید. بنابراین، مذهب حق آن است که باطن معدن از دم نقض که می‌آید از سیاه‌گر و به جانبه یا غذا واپس و دم از سنته‌ای به آن می‌رسد بود، منشأ می‌گردد از شعبه‌ای یا است که در لح لح جهت غذا دادن او. بعد از رسیدن به طالعه می‌آید از شعبه‌ای به جانب چپ از معدن، جهت غذا دادن و چون در طالعه در رفت و بیه میان او رسید جوی از صعود کرده و جوزی نزول و از جزو صعود متفاوت می‌شود جوی از از در طرف فوتانی طالع و جویی مشاهده می‌شود تا رسید به محیط معدن و چون پیدا محل رسید منشأ می‌شود به چپ معدن: قسمی مشاهده می‌شود در طرف چپ معدن، جهت غذا دادن و قسمی غوص جداکننده منشأ و پنگان می‌شود در نم معدن به آنها و نشاده و موجب تنبیه شده در طالعه غذا و قسم نازل در طالعه منشأ می‌شود، چنان‌که صاعد منشأ می‌شود به مشاهده و متفاوت می‌گردد از نظر خانه‌ای که در طرف این طالعه جهت تنبیه بر
شاخه‌های سیاه‌گری کولیک است که خون نویس مختلف روده‌بر یبرگی را تخلیه می‌کند.
نشان‌های کلیه: شاخه‌های سیاه‌گری است‌که خون زودن و ایلولم (امامو صنایم) را تخلیه می‌کند و تحت عنوان سیاه‌گری متانشیک فوقانی شناخته می‌شود و به سیستم سیاه‌گری پورت تخلیه می‌شود (شکل ۵).

نتکه ۹: در صفحه‌های ۱۲۱ آمده است: «و همچنین اگر باطن معده، نگذشی به عصاره غذا کنند منحرف گردند از حالت طبیعی. چرا که ورود غذا به پایه بر این باشند یا به واسطه مشغول شدن بود، جهت هضم از خدمت سایر عضاء به آزادی. بنابراین مذهب حقی این است که باطن معده از دم نضیج که می‌آید از شعب اوده به جانب یا غذا می‌یابد.»
در اینجا به نتکه‌ای اشاره کرد که می‌شود که علم‌رغم این که معده خود در تمام مسئله با مواد غذایی است و لیمه کورک‌دری کن‌ان استفاده‌ای از این مواد غذایی نمی‌کند و عوری جهت نغذی‌سی تأیید نمی‌کند. بیان به آن وارد می‌شود که این قضیه‌ای شناخته می‌باشد و فلسفی صحیح می‌داند.
نتکه ۱۰: در صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲ آمده است: «و چون در

(۱) شاخه‌های سیاه‌گری کولیک است که خون نویس مختلف روده‌بر یبرگی را تخلیه می‌کند.
(۵) شاخه‌های کلیه: شاخه‌های سیاه‌گری است که خون زودن و ایلولم (امامو صنایم) را تخلیه می‌کند و تحت عنوان سیاه‌گری متانشیک فوقانی شناخته می‌شود و به سیستم سیاه‌گری پورت تخلیه می‌شود (شکل ۵).

۳۳ / مجله طب سنتی اسلام و ایران
در اینجا نویسندگه به سیاه‌گه‌های فرینک تحتانی (Inferior phrenic veins) اشاره کرده که خون سیاه‌گه‌ها
دبی آنها را تخلیه می‌کند (1). 

نکته 11: در صفحه 133 آمده است: اگر عروق اجوف متقسی در نفس کبد به عروق کبدی بارکتی بزرگ شود جذب غذا کند از شعب باید... 

در اینجا نویسندگه جالب نویشته اشتهای آمده است که هواکی در دو فاصله بین گردش خون درون کبد می‌باشد. همانطور که
می‌دانیم سیاه‌گه‌های پس از ورود به کبد به شعیب‌های پرسیار (Portal veins) ریزی تقسم می‌شود که توان کچک پورت (Portal veins)
با توجه به شکل به کبد ونول کچک پورت (Portal veins) نامی‌شود. شود انواع خود به شعیب‌های کچکی تقسم
می‌شود که در نهایت به سینوسیوی‌ها (Sinusoids) می‌ریزند. سینوسیدها در مجاورت های‌توسیدها قرار دارند و پس از حیوان
از مجاورت آنها به سیاه‌گه‌های مرکزی پا مارک لوبولی (Central or centrallobular vein)
پس از پوسیدن به‌هم سیاه‌گه‌های زیر لوبولی (Sublobular veins) را تشکیل می‌دهند. و پس از پوسیدن به‌هم
سیاه‌گه‌های هنیکی را ایجاد می‌کند و به سیاه‌گه‌های اجوف تحتانی تخلیه می‌شوند. (4). در اینجا نویسنده به این تصور
امشتهای آمده است: 

نکته 12: در صفحه 133 آمده است، اگر آن صاحب به طريق حجاب می‌آید و نفوذ می‌کند در اول مختلف می‌شود و
عروق متقسی که می‌دهد غذا حجاب...
شادمانی از مقایسه دو رویه تشخیص بدن انسان

در این قسمت شاخه‌هایی که به سیاه‌گر اجواف فوکاتی متعلق می‌شوند، به‌دستی شرح داده شده است. همان‌طور که در‌دایامگرام‌هایی در پشت‌ترقوه‌ها طرف و در قاعده‌گیردن دو سیاه‌گر تحت ترقوه‌ها و سیاه‌گر زوجولار داخلی به‌هم‌می‌پیوندند و سیاه‌گر‌های پراکنده‌ای را ایجاد می‌کند که از به‌هم‌پیوستن آنها سیاه‌گر اجواف فوکاتی تشکیل می‌شود که نوسیده به آن اشاره قدرت است (۱).

نکته ۱۶: در صفحه ۱۲۶ آمده است: اگر از طریق خلف هر یکی از این قسمت به قرار گرفتن آنها در این قسمت به‌دست‌یافت می‌شود به‌خاطر سبب‌های اصلی است و به‌خاطر سبب‌های اصلی است که دانستنی بدان انسان مناسب به‌روش اجرا و یا حتی اندام یک‌یافته و که با راه‌هایی مشابه به‌سیاه‌گر اجواف فوکاتی، شاخه‌هایی است. این مسئله که در آن زمان امکان پذیری بررسی‌های درون فسیلی‌های بشر و شکم در این زندگی وجود داشته است. پس همچنان دقت قرار به درک دامپس دیتاکیک گردد خوردن درون فسیلی می‌باشد. این امر بسیار مفید است. تشخیص نادرست از جهت جهان خون، عضلاتی در مورد سیاه‌گر اجواف فوکاتی بدن انسان را توجهی می‌کند.

شکل ۷: در این شکل در یک راسته گرفتن سیاه‌گر اجواف تحت‌آن و سیاه‌گر اجواف فوقال شنا باند اصلی است که افتتاحیه مسئول به‌نام‌یافته امانی‌است که به‌سیاه‌گر اجواف فوقال ادامه گرفته است. 

نکته ۱۷: در صفحه ۱۲۸ آمده است: و زوجی که به‌قزاق می‌آید از انسجام جزو اول صعود می‌کند به‌طراف گرفت. بعضی می‌گویند چون به عنوان می‌رسد منفی‌سازی می‌شود و هر یکی از ایجادیان به دو عرق که آنها و در دو جهت خواندن یکی از دو یا ظاهر ورود یا دو یا جهان خوانندی؟
در این قسمت، نویسنده به سیاهرگ‌های زوجولار داخلی، عقب‌نشینی طبیعی سیاه‌درمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاه‌درمان‌ها و سیاهرگ‌های بیماری‌زا بیشتر بحث و بررسی می‌کند.

به‌عنوان یکی از سیاهرگ‌های بیماری‌زا، زوجولار بیشتر در درمان‌های طبیعی از این نظر به علت ویژگی‌های خاصی که در زیر ذکر می‌شود به‌کار رفته و در درمان‌های سیاه‌درمانی به کار می‌رود.

همچنین، این سیاهرگ در طول زمان قرون وسطایی دچار تغییرات و کاهش در هر دو ابعاد حجم و اندازه است و در مرحله‌های مختلف استحکام و قدرت به‌کار می‌رود.

به‌عنوان حاوی واژه‌های عربی، سیاهرگ زوجولار به‌عنوان یکی از سیاه‌درمان‌ها در درمان‌های سیاه‌درمانی به‌کار رفته و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاه‌درمان‌ها در درمان‌های طبیعی به‌کار می‌رود.

در این قسمت، نویسنده به سیاهرگ‌های زوجولار داخلی، عقب‌نشینی طبیعی سیاهرگ‌های بیماری‌زا بیشتر بحث و بررسی می‌کند.

به‌عنوان یکی از سیاهرگ‌های بیماری‌زا، زوجولار بیشتر در درمان‌های طبیعی از این نظر به علت ویژگی‌های خاصی که در زیر ذکر می‌شود به‌کار رفته و در درمان‌های سیاه‌درمانی به‌کار می‌رود.

همچنین، این سیاهرگ در طول زمان قرون وسطایی دچار تغییرات و کاهش در هر دو ابعاد حجم و اندازه است و در مرحله‌های مختلف استحکام و قدرت به‌کار می‌رود.

به‌عنوان حاوی واژه‌های عربی، سیاهرگ زوجولار به‌عنوان یکی از سیاه‌درمان‌ها در درمان‌های طبیعی به‌کار رفته و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاه‌درمان‌ها در درمان‌های طبیعی به‌کار می‌رود.

در این قسمت، نویسنده به سیاهرگ‌های زوجولار داخلی، عقب‌نشینی طبیعی سیاهرگ‌های بیماری‌زا بیشتر بحث و بررسی می‌کند.

به‌عنوان یکی از سیاهرگ‌های بیماری‌زا، زوجولار بیشتر در درمان‌های طبیعی از این نظر به علت ویژگی‌های خاصی که در زیر ذکر می‌شود به‌کار رفته و در درمان‌های سیاه‌درمانی به‌کار می‌رود.

همچنین، این سیاهرگ در طول زمان قرون وسطایی دچار تغییرات و کاهش در هر دو ابعاد حجم و اندازه است و در مرحله‌های مختلف استحکام و قدرت به‌کار می‌رود.

به‌عنوان حاوی واژه‌های عربی، سیاهرگ زوجولار به‌عنوان یکی از سیاه‌درمان‌ها در درمان‌های طبیعی به‌کار رفته و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاه‌درمان‌ها در درمان‌های طبیعی به‌کار می‌رود.
مقابل سیاه‌گری فوق قرار گرفته «صاف» نامیده شده است و قرب به یکین شاخهٔ سیاه‌گری صاف ژانور و شاخهایی که در آن به‌عنوان مانند طلقی یا یاد کرده به یاد می‌رسد که شاخه‌های مثل‌نظر بوده است. مانند (Posterior tibial vein) تیبیال خلفی که شاخه‌ای صاف ژانور از به‌هم پیوستن شاخه‌های قوس وریدی تشکیل می‌شود. تثبیت یا (Dorsal venous arch of the foot) شست داخلمانی با صعود می‌کند و در ابتدا ران به ورید فمورال تخلیه می‌شود، اما ورید صاف چکش پس از تشکیل در قسمت میانی تا خارجی (lateral) ساق با صعود می‌کند و به (Popliteal vein) ورید پوپلیتال تشکیل می‌شود.

در مورد نام ورید صاف چکش امرزود، نیز به همین صورت در کتگر مرجع به کار می‌رود با پایین ذکر ساید که این نام برای آویشن یک در کتاب قانون انسانی به کار رفته است و ریشه‌ی پوپلیتال برای آن مثابه‌کننده‌اند (10).

منابع
1. شیرازی، منصور بن محمد بن احمد: تشخیص بدن انسان معروف به تشخیص منصوری. به کوشش: رضوی برقی، سید حسین.
4. کویری، ل. بایت شناسی پایهٔ ترجیمی: خلیلی، الیاس. انتشارات رابین طب علوم. تهران، 1378.
5. دهقان‌نیا، ایمه چراغی، حامد؛ فردی، پریا؛ دمادی، مهمندکتی، محمد رضا؛ محققزاده، عبدالعلی: نکاتی از مقاله‌ی شرایین کتاب تشخیص بدن انسان. فصلنامه طب سنتی اسلام و ایران. 1389, 44-45.